

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی دلالت روایت ابو بصیر

بحث در این بود که آیا استدلال به روایت ابو بصیر برای مسئله تبدیل امتثال به امتثال صحیح است یا نه؟ در بحث دیروز سند روایت را عرض کردیم که در آن سهل بن زیاد واقع شده و قرائن داله بر وثاقت سهل بیش از قرائن و شواهد بر تضعیف او هست و می‌توان به روایت او اعتماد کرد. حال که مسئله سند تمام شد، بحث در این است که دلالت این روایت به چه نحوی است.

در روایت آمده که کسی به نحو فرادی نماز خواند و بعد جماعتی منعقد شد، که حضرت می‌فرمایند: جماعت را هم با اینها بخوان، «فَقَالَ صَلَّى مَعَهُمْ يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ»، محبوب‌ترین این دو نماز در نزد خدا، مختار خداوند است. حال آیا این تعبیر «يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ»، دلالت بر مدعای مرحوم آخوند(ره) دارد یا نه؟ یعنی دلالت بر این دارد که هم عمل اول امتثال است و هم عمل دوم، که هر دو عنوان امتثال را داشته باشند، لکن خداوند أحب را اختیار می‌کند و اگر چنین دلالتی در آن باشد، در اینجا مدعای مرحوم آخوند(ره) ثابت می‌شود، یعنی می‌توانیم بگوییم: روایت بر تبدیل امتثال به امتثال و امتثال بعد الإمتثال دلالت دارد و این نه تنها جایز است، بلکه صحیح و بالاتر از صحیح مطلوبیت بیشتری هم برای خداوند دارد.

اما انصاف این است که این روایت دلالت بر این معنا ندارد، مطلبی را کثیری از بزرگان در اینجا بیان کرده‌اند و آن این است که این نماز دوم دیگر به قصد امتثال همان امر اول نیست، بلکه نماز دوم به قصد امتثال امر دومی است که به استحباب جماعت تعلق پیدا کرده است.

فرض این است که نماز دوم نماز جماعت است و این شخص قبلاً نمازش را فرادی خوانده و حال در جماعت شرکت می‌کند و همان نماز را می‌خواند، که این نماز دوم عنوان موافقت با امر استحبابی متعلق به جماعت را دارد.

بنابراین اصلاً از موضوع بحث تبدیل امتثال به امتثال خارج می‌شود، چون عرض کردیم که در تبدیل امتثال به امتثال باید عمل دوم به قصد همان امر وجوبی متعلق به عمل اول انجام شود، در حالی که در اینجا عمل دوم به قصد امر استحبابی متعلق به جماعت واقع می‌شود.

در نتیجه دو حکم و موضوع داریم و دو نوع اطاعت مطرح است که اصلاً ربطی به بحث تبدیل امتثال به امتثال ندارد، که عرض کردم این مطلب را کثیری از بزرگان از اصولیین در جواب از مرحوم آخوند(ره) بیان کردند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) استحباب هم امر دارد، هم امر وجوبی و هم امر استحبابی قابل امتثال است، منتهی امتثال امر وجوبی عقلاً لازم است، اما امتثال امر استحبابی عقلاً لازم نیست و رجحان دارد. وقتی یک عمل استحبابی را انجام می‌دهید، الآن

به عنوان یک فرد ممتثل نسبت به دستور رجحانی مولا شناخته می‌شوید، که این مسلم است، و لذا می‌گوییم: در اینجا این عمل دوم به عنوان امتثال امر استحبابی متعلق به جماعت است و در این صورت دیگر از بحث تبدیل امتثال به امتثال خارج است.

استحباب یک عنوان زائد بر عمل است و نه عنوان غیر عمل، یعنی در عمل دوم همان عمل اول انجام می‌شود، البته با یک اضافه و خصوصیت، که چون همان عمل اول با یک خصوصیت زائده است می‌گوییم: خداوند هر کدام را خواست اختیار می‌کند.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) اشتباه شما این است که فکر می‌کنید که فقط امر استحبابی دارد، عمل دوم فی الواقع هم امر وجوبی نسبت به اصل صلاة دارد و هم امر استحبابی، منتهی این عمل دوم را به چه نیتی انجام می‌دهید؟ بحث الآن همین است که آیا عمل دوم را به نیت امر وجوبی متعلق به عمل اول انجام می‌دهید و یا به نیت امر استحبابی؟ مشهور یعنی بعد از مرحوم آخوند(ره) گفته‌اند: این عمل دوم به نیت امر استحبابی متعلق به جماعت است، و لذا قبلاً هم عرض کردیم که امام(ره) هم تصریح کرده‌اند که این عمل دوم باید به نیت استحباب باشد و مشهور از فقهاء از متأخرین فتوا داده‌اند که این عمل دوم را باید به نیت استحباب انجام دهد، که اگر به نیت استحباب بود، دیگر امتثال همان امر لزومی اول نیست.

فروض متصور در نماز دوم

این عمل دوم را که انجام می‌دهید، چند فرض در آن متصور است؛ فرض اول این است که مثلاً دو رکعت نماز صبح واجب می‌خوانید و بعد دو رکعت نماز مستحبی می‌خوانید، که در اینجا می‌گوییم: اول واجب را انجام دادیم و بعد مستحب را انجام دادیم، پس این نماز دومی که مستحب است، اصلاً ربطی به آن نماز واجب ندارد، که این از محل بحث خارج است، یعنی کسی نمی‌گوید: کسی که نمازش را فرادی خوانده و بعد که نماز جماعت منعقد شد، نماز جماعت را به عنوان امر استحبابی محض بخواند، به طوری که مرتبط به آن نماز نباشد، برای این که اگر مرتبط به آن نباشد، دیگر «يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» معنا ندارد.

لذا این قطعاً از مورد روایت خارج است، یعنی اگر دو نماز؛ چه واجبین و چه مستحبین و چه مختلفین؛ یکی واجب و یکی مستحب، هیچ ربطی به هم نداشته باشند، در اینجا مقایسه و اینکه خدا اهم را اختیار می‌کند معنا ندارد.

فرض دوم این است که نماز فرادایش را که به نیت امتثال امر وجوبی خوانده، نماز جماعتش را هم به همان نیت بخواند، یعنی نماز جماعت را هم به نیت امر وجوبی می‌خواند، که اگر این تصحیح شد، تبدیل امتثال به امتثال می‌شود و علی الظاهر مثل مرحوم آخوند(ره) باید قائل باشند که این نماز جماعتی که بعد می‌خواهد بخواند، باید به نیت وجوب بخواند.

فرض سوم این است که نماز اول را به صورت فرادی خوانده و حال نماز دوم را در عین اینکه مصداق برای طبیعت صلاتی است، که در امر اول بوده، یک اضافه‌ای هم دارد و جمع بین این دو خصوصیت است، یعنی در نماز دوم؛ هم عملش به عنوان مصداق واجب واقع می‌شود و هم اینکه به نیت امتثال امر استحبابی است، که باید دقت کنیم که در کیفیت جمع بین این دو عنوان عمل می‌کنیم.

فرمایش مرحوم آخوند(ره) فقط در فرضی است که عمل دوم به عنوان امتثال آن امر باشد و هیچ اضافه‌ای هم نداشته باشد، یعنی فرمایش مرحوم آخوند(ره) در فرضی است که به شرط لا از اضافه باشد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) غرض اقصی در ملاک است و نه در امتثال، یعنی در عمل دوم نیت غرض اقصی را نمی‌کنید، بلکه می‌گویید که: یک عمل دومی انجام می‌دهم، لعل که آن غرض اقصی حاصل شود، و الا غرض اقصی در اختیار شما نیست که

بخواهید نیت کنید.

طبق فرمایش مرحوم آخوند(ره) عمل دوم در فرضی است که عین همان نحوه‌ای که در عمل اول بوده انجام دهید، اگر این باشد که تبدیل امتثال به امتثال می‌شود، اما اگر بخواهد عمل دوم، عین همان عمل اول باشد، باید در عمل دوم هم به نیت امتثال امر لزومی اول، به شرط لا باشد، یعنی اصلاً نباید چیز دیگری مطرح شود که اگر این باشد، تبدیل امتثال به امتثال می‌شود.

اما اگر ما گفتیم که: عمل دوم همان خصوصیت عمل اول را دارد، یعنی همان طور که عمل اول مصداق برای آن طبیعت مأموره است، عمل دوم هم مصداق بر آن است، منتهی در عمل دوم مصداق دوم را به نیت آن امر نمی‌آوریم، بلکه مصداق دوم را به نیت امر استحبابی می‌آوریم.

نظر استاد محترم در اشکال بر مدعی آخوند(ره)

نظیر مطلبی که از فرمایش امام(ره) نقل کردیم و همان را هم اختیار کردیم که در این روایات صلاة جماعت، عمل دوم امتثال امر اول نیست، برای اینکه امر اول به عمل اول تمام شده و ساقط می‌شود، اما عمل دوم مصداق دیگری برای طبیعت مأموره است. مثلاً این که دو رکعت نماز صبح می‌خوانید و دو رکعت هم به نیت الاستحباب می‌خوانید، که این دو رکعت دومی که به نیت استحباب می‌خوانید، مصداق آن طبیعت مأموره نیست، اما این نماز جماعت دوم دو خصوصیت دارد؛ یکی اینکه مصداق دوم برای آن طبیعت است و شما به نیت آن امر متعلق به طبیعت انجام نمی‌دهید، بلکه به نیت امر استحبابی انجام می‌دهید.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) امر وجوبی متعلق به طبیعت صلاة است، اما الآن که نماز را خواندید، آیا این نماز مصداقی از این طبیعت مأموره هست یا نه؟ اگر نماز دوم را خواندید، این نماز دوم هم یک مصداق دوم از همان طبیعت مأموره است. قبلاً هم عرض کرده و گفتیم که: مسئله‌ی امتثال بعد الإمتثال در جایی است که بعد از امتثال اول بگوییم که: امر باقی است و لذا عمل دوم را هم به نیت همان امر اول انجام می‌دهیم که این امتثال بعد الإمتثال می‌شود، اما در اینجا می‌گوییم که: کسی نماز فرادیش را خوانده، این مصداق برای طبیعت مأموره وجوبی هست و بلا اشکال امر به آن هم ساقط می‌شود، اما مصداق دوم را قبلاً از راه غرض و نه امر درست کردیم.

اینکه گفتیم: اگر به عقل مراجعه کنیم می‌گوید: اگر مولا امری کرد و امرش را اتیان کردید، یقین دارید که امر مولا از ذمه شما ساقط شده، اما می‌توانید بگویید که: مصداق دیگری می‌آورم که شاید این مصداق اوفا به غرض مولا باشد، که آوردن مصداق دوم متوقف بر امر نیست، که اینها را قبلاً حل کردیم، یعنی در مقام ثبوت وقتی که گفتیم: تبدیل امتثال به امتثال نمی‌شود، مگر به این نحو که اسم این را هم نمی‌شود تبدیل امتثال به امتثال گذاشت، بلکه اسم این را می‌شود اضافه کردن مصداق دوم بعد از مصداق اول گذاشت، که این مصداق دوم نیاز به امر ندارد و همین صرف غرض مولا کافی است.

بنا بر این حساب عرض کردیم که ثبوتاً اصلاً لازم نیست که جماعت هم باشد، بلکه مثلاً نمازم را خواندم، دوباره نماز دومی انجام می‌دهم و در آن می‌گویم: این را به عنوان اینکه شاید غرض مولا را بیشتر تحصیل کنم و یقین هم دارم که امر متعلق به نماز اول ساقط شده است انجام می‌دهم.

بنابراین در اینجا هم می‌گوییم که: این روایات صلات جماعت، آن مقداری که دلالت دارد این است مصداق دومی را بیاوریم، لذا عمل دوم بی ارتباط به عمل اول نیست و این هم مصداقی از همان طبیعت کلیه صلاتی است که مأموره بوده است، لذا با نماز اول یقیناً امر وجوبی ساقط شده و این مصداق دوم را، آن مقداری که مسلم است اینکه به نیت استحباب و امر استحبابی متعلق به جماعت بیاوریم.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) این فرمایش نتیجه‌اش این است که یک امر وجوبی به خود صلاة داریم و یک امر استحبابی به جماعت، که این را نمی‌توانیم بگوییم که: همان امر است، بلکه یک امر وجوبی به اصل صلات داریم و یک امر استحبابی به اینکه جماعت هم برقرار شود که باید نیت استحباب کنید، که طبق این بیان باید نیت استحباب بکنید، یعنی در نماز دوم - حال جماعت یک مثال است - خصوصیت زائده‌ای هست که می‌خواهید آن خصوصیت زائده را انجام دهید.

ببینید «أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» را مشهور این گونه بیان کرده و مرحوم آخوند(ره) هم این طور بیان می‌کند که مشهور می‌گویند: «أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» یعنی اشاره به نماز جماعت دارد، چون جماعت أحب صلاتین در نزد خداست، این تعبیری است که خداوند یا ائمه نخواستند به صورت مطلق جماعت را اختیار کنند، بلکه فرمودند: «أَحَبَّهُمَا» که همین جماعت باشد.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) جواب این را عرض کردیم که دو نوع مستحب و واجب؛ یکی مثل اینکه دو رکعت نماز صبح بخواند و بعد هم دو رکعت مستحبی که هیچ ارتباطی با هم ندارد، اما در مستحب و واجبی که مستحب مصداقیت برای واجب هم دارد، می‌تواند تعبیر «أَحَبَّهُمَا» در آن بکار رود و این امر استحبابی با وجود مصداقیت این عمل برای واجب است. به تعبیر بهتر اگر شارع بگوید: «هذا العمل مستحب و هذا العمل واجب»، در اینجا معنا ندارد که بگوید: «أَحَبَّهُمَا»، اما اگر بگوید: «هذا العمل واجب» و بعد هم بگوید: این مصداق از واجب هم مستحب است، یعنی این مصداق از واجب تمام آن ملاک وجوبی را همراه با یک اضافه‌ای داراست.

مثال مورد بحث این است که یک نماز فرادی خوانده و بعد یک امر استحبابی به جماعت تعلق پیدا کرده و این جماعت هم مصداق واجب است. لذا بحث این است که امر استحبابی به چه چیزی متعلق است؟ اگر شارع از اول بگوید: این دو رکعت مستحب است و این دو رکعت هم واجب، در اینجا «أَحَبَّهُمَا» معنا ندارد، اما اگر بگوید: این دو رکعت واجب است و بعد بگوید: این دو رکعت دیگر که می‌تواند مصداق آن باشد، به خاطر این خصوصیت مستحب هم هست، در این صورت «أَحَبَّهُمَا» معنا ندارد.

اشکال دوم بر مدعای آخوند(ره)

جواب دوم این است که در این «يَخْتَارُ اللَّهُ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ» دو احتمال وجود دارد؛ این «يَخْتَارُ» از جهت امتثال است و یا از جهت إعطاء ثواب، فرمایش مرحوم آخوند(ره) بنا بر کدام یک از این دو احتمال درست است؟ بنا بر این احتمال که بگوییم اختیار از جهت امتثال است که اگر کسی نماز فرادی خواند و بعد همان نماز را به جماعت هم خواند، «يَخْتَارُ اللَّهُ لِحُجَّتِ الْإِمْتِثَالِ أَحَبَّهُمَا»، در این صورت فرمایش مرحوم آخوند(ره) درست می‌شود که ممکن است نماز دوم أحب باشد و یا اول أحب باشد و هر دوی هم امتثال است.

اما در اینجا می‌گوییم که: اختیار از جهت إعطاء ثواب و اجر است که دو نماز خواندید، نماز اول به نیت وجوب بوده و تمام شده و بعد یک نماز استحبابی هم خواندید، حال شارع از جهت اجر و ثواب، چون اجر و ثواب در اختیار شارع است، هر کدام را بخواهد اختیار می‌کند و اصلاً بحث این نیست که این عمل دوم عنوان امتثال را داشته باشد یا نداشته باشد.

اشکال سوم بر مدعای آخوند(ره)

جواب سومی در کلمات مرحوم محقق اصفهانی(ره) است که مطلب را مقداری فلسفی کرده و فرموده: همان طور که یک عمل با ضد اقوای خودش از بین می‌رود، با مثل اقوای خودش هم منقلب می‌شود، و لذا همان طور که اگر بعد از نماز گناهی کردید، این گناه ضد اقوایی است که تمام اجر نماز را از بین می‌برد، همچنین اگر بعد از نماز یک مثل اقوی آوردید، آن وقت مثل اقوی

حضور پیدا کرده و آن نماز قبلی کنار می‌رود.

البته این تعبیر، یک تعبیر فلسفی است و این تعبیر فلسفی در این مباحث عرفی راه پیدا نمی‌کند که این را باید کنار گذاشت.

حمل روایت ابو بصیر بر تقیه

آخرین مطلبی که عرض می‌کنیم این است که بعضی از اساتید ما (حفظه الله) اینها فرمودند که: اصلاً این «أحبهما إليه» نظر به نماز فرادی دارد، چون در زمانی که این روایات از ائمه (علیهم السلام) صادر شده، تمام مساجد در اختیار عامه بوده و امام جماعتش هم از عامه بوده، حال شیعه در خانه نماز خوانده و بعد آمده در مسجد و دیده که عامه دارند نماز می‌خوانند، حضرت فرمودند: تو با اینها نماز بخوان، اما آن نماز فرادی تو أحب است و نمی‌توانسته به تصریح بفرماید که: این نماز جماعت «لیس باحب»، لذا مقصود امام (علیه السلام) از أحب همان نماز فرادی است.

برای اثبات این مطلب به بعضی از روایات استدلال کردند که صلاة خلف اینها مثل صلاة پشت جدار می‌ماند، و لذا اصلاً روایت را روی این معنا بردند که «أحب» همان مصداق اول و نماز فرادی است که با این بیان باز این روایت را هم در باب تقیه بردند که قبلاً هم گفتیم که روایات باب تقیه از محل بحث خارج است.

(سؤال و پاسخ استاد محترم) بله، ممکن است وقتی که ابو بصیر سؤال کرده، عده‌ای هم نشسته باشند و اینطور نیست که ابو بصیر و امام تنها نشسته باشند، بلکه معمولاً در مجلس عده‌ای بوده‌اند. لذا این هم جواب دیگری از مدعای مرحوم آخوند(ره) است که با توجه به این مطلب هم روایت دلالت روشنی بر مسئله‌ی تبدیل امتثال به امتثال ندارد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين